



سلام ما را به امام برسانید، ما مثل امام حسین (ع) جنگ کردیم و مثل او مظلوم واقع شدیم و دیگر صدایی از او نشنیدیم

آخرین مکالمه شهید درخشی با فرمانده شهید باکری، سلام ما را به امام برسانید، ما مثل امام حسین (ع) جنگ کردیم و مثل او مظلوم واقع شدیم و دیگر صدایی از او نشنیدیم.

آخرین مکالمه شهید درخشی با فرمانده شهید باکری، سلام ما را به امام برسانید، ما مثل امام حسین (ع) جنگ کردیم و مثل او مظلوم واقع شدیم و دیگر صدایی از او نشنیدیم.

شهید مهدی باکری، درپاسخ پدر شهید حمید محمدی درخشی درباره نحوه شهادت فرزند برومندش می گوید: حمید 250 اسیر عراقی آورد و تحویل داد و در حالی که از ناحیه شانه زخمی شده بود، هر چه اصرار کردیم که برگردد تا زخم هایش پانسمان شود، گفت: بچه ها زیر آتش هستند و باید بروم.

فرمانده لشکر عاشورا می افزاید: تا مدتی با من با بی سیم تماس داشت و در آخرین تماسش به من گفت: سلام ما را به امام برسانید، ما مثل امام حسین (ع) جنگ کردیم و مثل او مظلوم واقع شدیم و دیگر صدایی از او نشنیدیم.

مادر شهید حمید محمدی درخشی می گوید: شوق و اشتیاق جبهه و مقابله با دشمنان اسلام و انقلاب، مرهم و التیامی بر زخم های پیکر فرزند شهیدم بود.

خانم عدیله خردادی با یادآوری خاطرات دوران جنگ تحمیلی و علاقه شهید درخشی برای رفتن به جبهه می افزاید: حمید با وجود اینکه در جبهه های نبرد با دشمن مجروح می شد، به محض التیام نسبی برای کمک به همزمان خود با اشتیاق دوباره به مناطق عملیاتی بازمی گشت.

وی با بیان اینکه پدر حمید نیز به عنوان بسیجی اغلب موارد دوشادوش پسرش در جبهه های نبرد با دشمن شرکت داشت، اظهار می کند: احساس وظیفه در برابر انقلاب و اسلام و حفظ کیان میهن انگیزه ای برای حضور حمید و پدرش در جبهه بود.

مادر شهید محمدی درخشی ادامه می دهد: پسرم در وصیت خود نوشته آرزو دارم مانند یاران شهیدم با لباس خونین و با فرقی شکافته به دیدار امام حسین (ع) بروم و دوست دارم در راه یاری فرزند برومند حضرت زهرا(س) شربت شهادت بنوشم.

این مادر شهید خاطرنشان می کند: پسرم در وصیت خود نوشته دوست دارم در راه اعتلای کلمه توحید و ندای پر طنین الله اکبر من هم جان ناقابل را به پیشگاه الله جل جلاله تقدیم کنم تا بتوانم انشالله دینی را که بر گردن دارم نسبت به اسلام و مسلمین ادا کرده باشم.

وی می گوید: حمید در وصیتش تاکید کرده اگر جنازه ام را به مراغه آوردند، دوست دارم سنگ قبرم از همه شهدا پایین تر باشد، زیرا من خاک پای آن ها هم نمی شوم و دوست ندارم هم ردیف آنان باشم.

مادر شهید درخشی ادامه می دهد: حمید، در گیرودار جبهه و جنگ با پیشنهاد خانواده و براساس سفارش امام خمینی(ره) مبنی بر ازدواج جوانان، ازدواج کرد و در دوران کوتاه ازدواج، کمتر فرصت می یافت به خانواده اش رسیدگی کند، بنابراین سرپرستی خانواده او را پدرش بر عهده گرفت.

خانم خردادی می گوید: شهید محمدی درخشی به عنوان فرمانده محور عملیاتی لشکر مکانیزه 31 عاشورای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در برابر درخواست عده ای از دوستان برای شرکت در نمایندگی مجلس شورای اسلامی، گفت: من خادم اسلام هستم و خدمتی بالاتر از خدمت در بسیج سراغ ندارم.

وی بشاشی، خوش خلقی، خطرپذیری، اخلاص و توکل را از ویژگی‌های برجسته حمید اعلام و یادآوری می‌کند: آخرین باری که او را بدرقه می‌کردیم، همسرش تنها فرزندش مهدی را نزد او برد تا پسرش را در بغل بگیرد اما وی از این کار خودداری کرد و گفت: ممکن است عشق به مهدی باعث شود عشق به خداوند را فراموش کنم، آنگاه در پیش خداوند مسوول خواهم بود.

اگر بگوییم شهیدان و رزمندگان اسلام شخصیت‌هایی بودند که از طرف خداوند متعال برای حضور در جبهه‌های حق علیه باطل ماموریت یافتند، اغراق نکرده ایم، چرا که آنان خدمت برای جهاد در راه خدا را بهترین سرلوحه خود بشمار می‌آوردند و برای خدمت در این راه متعالی همچنان پافشاری می‌کردند.

این شخصیت‌های مردمی و آگاه به زمان، راه خود را بر اساس فرمایش رهبر کبیر انقلاب و آموزه‌های اسلامی و ولایی انتخاب کرده و با خون خود و یادگارهای معنوی که از خود به یادگار گذاشته‌اند، وظیفه و دین خود را نسبت به انقلاب و اسلام انجام داده‌اند.

شهید حمید محمدی درخشی از جوانانی بود که دوران جوانی خود را قبل از پیروزی انقلاب وقف مبارزه با رژیم پهلوی کرد و همزمان با انقلاب اسلامی به فرمان امام راحل همراه جمعی از دوستانش، سپاه ناحیه مراغه را تاسیس کرد و بعد از آن نیز علیه ضد انقلاب به مبارزه پرداخت.

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در کنار عضویت در شورای فرماندهی سپاه مراغه به سمت فرماندهی بسیج مراغه منصوب شد و نسبت به سازماندهی و اعزام نیروهای بسیجی به جبهه اقدام کرد.

در همین زمان به خاطر فعالیت‌های شبانه روزی، محبوبیت زیادی در بین مردم مراغه به دست آورد تا جایی که از او خواستند تا نامزد نمایندگی این شهرستان در مجلس شورای اسلامی شود ولی او به هیچ وجه زیر بار نرفت و گفت: من خادم اسلام هستم و خدمتی بالاتر از خدمت در بسیج سراغ ندارم پس در بسیج باقی می‌مانم زیرا خدمت در بسیج همه چیز من است و من خاک پای بسیجی‌ها هستم.

همزمان با ایفای مسوولیت‌های پشت جبهه در موقع لزوم به هنگام آغاز عملیات‌های مهم عازم جبهه می‌شد و طبق گفته همزمانش، درخشی آرام و مطمئن در میان آتش سنگین دشمن حرکت می‌کرد و نیروها را به صبر و پایداری فرا می‌خواند و آیات جهاد را تلاوت می‌کرد.

سرانجام پس از چهل و هشت ماه حضور در جبهه‌ها، در روز یکشنبه ششم اسفند 1362 در عملیات خیبر و جزیره مجنون در حالی که به همراه همزمان خود در محاصره دشمن قرار گرفته بودند، به شهادت رسید.

گزارش از: حسن حسین زاده